

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۰۴ جون ۲۰۲۴



یونس نگاه

بیگانه

در ترکیه خارجی‌ها را بیان‌جی می‌گویند. بیان‌جی چیزی شبیه بربر و بیابانی معنا می‌دهد و در ترکیبات دیگری چون بیانی‌حیوان (حیوان وحشی-نااهلی) آدم متوجه بار منفی آن می‌شود. بیگانه فارسی و پردی پشتو نیز مثل بیان‌جی ترکی بار منفی دارند. از این‌رو در استفاده آن باید خصوصاً در مسایل فرهنگی و به‌خصوص در داخل افغانستان و هنگام صحبت در مورد زبان و فرهنگ و قومیت همدیگر محتاط باشیم.

دوست‌داشتن خود، خانواده، قوم و زبان خود امر غریزی است. بز هم چوچه‌اش را بسیار دوست دارد. شغال نیز غارش را بسیار دوست دارد. گنجشک نیز لانه و تخم‌ها و هم‌گنجشکی‌هایش را دوست دارد. قاعده بقا این را حکم می‌کند که متوجه خود، داشته‌های خودی و وابستگان خود باشیم.

تا این‌جای کار ما مشغول امور حیوانی هستیم و از غرایز و تمایلات طبیعی خود فرمان می‌بریم. اصل کار آدمی بعد از این مرحله شروع می‌شود. آنچه ما را انسان می‌سازد رفتار با دیگران است. دیگران می‌توانند خانوادگی، قبیله‌ای، فرهنگی، ملی، جنسیتی و نوعی باشند. معیار انسانیت درک روابط پیچیده ما با همدیگر و با دیگران است نه صرفاً درک منافع و نیازهای خود.

هرچه آدم "انسان‌تر" و "ترقی‌یافته‌تر" شود چشمانش به روابط و ریشه‌های بیرونی خود و قوم و نوحش بازتر می‌شود. معنای بیگانگی در جوامع پیشرفته تغییر می‌کند و از مرز زبان و فرهنگ و قومیت و حتی نوعیت عبور می‌کند. این کار تفنن نیست، بلکه آگاهی از ضرورت تعامل و همکاری است. آگاهی از نیاز متقابل آدم‌ها میان هم، آدم‌ها با حیوانات دیگر، حیوانات با موجودات دیگر، و زمینیان با همه کائنات.

هرچه کلمه بیگانه بیشتر بر زبان ما باشد، محدودتریم. هرچه حدودی را که برای بیگانگان تعریف می‌کنیم تنگ‌تر باشد، کوتاه‌فکر و عقب‌افتاده‌تریم. شاید با بیگانه گفتن قریه مجاور، ولایت مجاور، قوم مجاور یا ملت مجاور ذهناً آرامش خودی خلق کنیم و حتی احساس برتری و تفاوت کنیم، ولی در عمل خود را به‌زنجیر می‌کشیم.

نشانه‌های عقب‌ماندگی ما افغان‌ها بسیار است. یکی از این نشانه‌ها شیوه استفاده ما از کلمه بیگانه (فارسی) و پردی (پشتو) است. برای گروهی به ظاهر ادیبان فارسی افغانستان (نه همه) زبان پشتو بیگانه است و برای همتایان پشتوزبان آنان فارسی بیگانه است. این دو گروه ادیبان تلاش دارند تماس و دادوستد میان فارسی و پشتو را کاهش دهند، چرا که آن دیگری برای شان بیگانه است و تماس با بیگانه در جامعه بدوی خطرناک و نامبارک است.

ولی گروهی هرچند کم‌شمار نویسندگان پشتو و فارسی می‌دانند که فارسی و پشتو زبان‌های همسایه، هم‌ریشه و هم‌وطن‌اند. آنان تلاش دارند رابطه بین پشتو و فارسی را تقویت بخشند، چو باور دارند که این رابطه به سودشان است. آنان می‌دانند که کلمات بسیاری در پشتو حفظ شده است که از ریشه مشترک فارسی-پشتو می‌آید و درک آن‌ها به ادیبان فارسی در غنای زبان خودشان کمک می‌کند. همین‌طور نویسندگان آگاه پشتو می‌دانند که فارسی اولین، کم‌هزینه‌ترین و در دسترس‌ترین دریچه به‌روزی جهان بیرون است و فارسی نزدیک‌ترین زبان به پشتو است. اگر پشتو چند خواهر داشته باشد یکی حتماً فارسی است.

آیا خواهر بیگانه است؟ برای یک جامعه بدوی بلی، خواهر وقتی به قریه مجاور شوهر گرفت بیگانه می‌شود. ولی برای آدم امروزی خواهر حتی اگر از کابل کوچیده در مسکو یا بیجینگ شوهر بگیرد همچنان خواهر می‌ماند.

ادیب فارسی‌زبانی که مأموریت خود را زدودن عربی از فارسی تعیین کرده به کسی می‌ماند که می‌کوشد برای پاکیزگی دی‌ان‌ای پدری در گوشت و پوست و استخوان خود دی‌ان‌ای مادر کلان را بپالد و آن را جراحی کند. نتیجه کار چیزی جز معیوبیت تن خود و فرزندانش نخواهد بود.

مدرس ادبیات پشتویی که کمر به زدودن نشانه‌های رابطه فارسی از زبانش بسته، در واقع مانع رشد پشتو می‌شود. زبان، فرهنگ، سیاست و اقتصاد ما با گسترش روابط رشد می‌کنند. رشد البته آدم را از گذشته‌اش فاصله می‌دهد. شاید چند نسل بعد چنان دگرگون شوی که اگر به فرض پدرکلان از گور برخیزد کواسه‌اش را نخواهد شناخت و در صحبت با او مشکل خواهد داشت. ولی در جازدن و هم‌زبان و هم‌قد و هم‌فرهنگ پدران ماندن هزینه‌اش بسیار بیشتر از هزینه‌های رشد است. آنانی که در جا می‌زنند با انقراض فرهنگی، سیاسی و زبانی روبه‌رو می‌شوند.

زبان پشتو را رابطه و دادوستد با فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسوی با مشکل مواجه نمی‌کند بلکه به عکس بستن در به روی این رابطه‌ها مشکلات جبران‌ناپذیر بر جای خواهد گذاشت.

فارسی را ایل‌وغیل شدن با همسایگان و همتایان دور و نزدیک کلان و بزرگ خواهد کرد نه پشتو، عربی و انگلیسی و فرانسوی زدائی.

هرجا دیدید که کسانی زیر نام ادیب و استاد مشغول بدگویی زبان‌های "بیگانه" یا "پردی ژبی" بود آنتن‌های هشدار را در ذهن خود فعال کنید. شاید شما با آدمی روبروئید که فنون ادبی و دستور زبان آموخته ولی با نیازهای جامعه و فرهنگ مردمش آشنا نیست، و آدم این عصر نیست.